

کتاب وصیت

Persian Note Book

Subject:

Date:

در لغت به معنی بیدار ماندن و نهار نخوردن است اما متعبر وصیت در راه صلاح فقهی است

وصیت

است از آنست که متضمن تحلیک مالی یا عمری نسبت به تصرف شخص معین بعد از وفات وصیت کننده

انواع وصیت

تملیکی

عمری

تملیک به شخص استاء می کند ملکیت عین یا منفعتی را از مال او بدارد و فاشش حجاب ناب (بیگانه) وصیت می کند

(مثلاً بعد از مرگم سفینه را برادر بزرگوارم بدهد یا تحت ایام مصرف شود)

جست معین

شخص معین

۱- موصی (وصیت کننده)

۲- موصی له (مالی که وصیت شود)

۳- موصی له (کسی که مال باید به او داده شود)

انواع وصیت تملیکی

تهدیدیه - وصیتی که متضمن عمره و حرکات دلای است که شخص یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگر ضاعف می کند

ضلایه - بعد از مرگم مال را به فلانی بدهید - یا فلان مقدار را به فلانی بدهید و مصرف کننده یا وصیت که مکان معینی دفن کند یا وصی اطفال کو شک من باشد (وصی به طفل امر)

موصی (وصیت کننده)

۱- موصی (کسی که به نیابت آن کار را انجام می دهد)

۲- موصی له (کاری که قرار است انجام دهد)

انواع وصیت عمری

رسمی - وصیتی که قرار است مالی را به او بدهد (کسی که وصیت به غیر تعلق دارد به او)

این مال فلانی است - تملیکی - این پول برای مصرف تو است

این مال را به فلانی بده - عمری - این پول را برای فقرا مصرف کن

تصرف در حال برای ساقط می باشد

وصیت مشروع است - بلکه مستحب است و در برخی موارد وصیت واجب می شود

مستندات

۱- وصیت از وصایات فقهی است.

قسم ۲ در سه از جهت مستقل است. مرق در نوع وصیت

تکلیف: **ملکیت اخصا** به شرط انچه

عهدی: **تکلیف به خورده فعل یا اثر فاعل**
غیر از **تکلیف**
(به ملکیت درگاه کردن کارهای انجام دهند)

تفاوت: **در شرط نتیجه** خور موضوعی مستقلاً انجام دهد

عهدی: **در شرط فعل** به وصی و اذن او شود

۲-

مستند شرعی ۱ وصیت

به مطلق و در

۱- **فقهی روایات** (ضروریات) این ۲- آیه ۳- روایات **رضی الله عنه** **لاکم بعد ما نسیم** **لا اثم ولا حزن**

۴- **سیره** **عقیده عقلا** که متضمن به بیان معصوم علی السلام بودند

۳-

مستند شرعی ۲ قسم ۲ از وصیت

۱- **تسالم علی** ۲- **الطلاق آیه** ۳- **سیره تقیه**

۴-

مستند شرعی ۳ شکل استیجاب

از وصایات فقهی است بنابر دلالت روایات

بنابر نظام وصیت **ما هو واجب** **مستند** **هواه** **موصی به** **کار** **باز**

عقد: ایجاب و قبول باهم نیاز دارد

ایقاع: فقط ایجاب لازم است

و صحت ايقاع است

طبق نظر مصنف و صحت عهدي عقد (در طرفه شئت بلكم فقط نیاز به ایجاب دارد و ايقاع است)
(ایجاب و قبول باهم)

و صحت عهدي: ايقاع است نیاز به قبول ندارد ولی و صحت می تواند این کار را قبول نکند و رد کند

اما و صحت با رد و صحت باطل نمی شود

۱. در زمان حیات و صحت گفته باشد **بالتوفیق** صحیح است

۲. شرط و صحت می تواند و صحت عهدي را رد کند
۳. به او خبر بدهد که رد کرده است (بالتوفیق الرد)

۴. علم شرط است و افعول اضافی کرده اند
۵. و صحت گفته برایش امکان تعیین و صحت دیگری وجود داشته باشد
(و صحت کافی)
(دانه و جود)

۱۰ این شرایط مربوط به زمانی است که خارج حرج نباشد و اما اگر برابر و صحت حرج داشته باشد حتی یا بنوعی

شرایط هم باز و صحت می تواند رد کند

۱۲ نکته: اگر پدری به فرزندش و صحت کند حق رد ندارد بلكم و اعیان است که قبول کند و صحت پدرش را

۱۴ و صحت تعللی عقد است به استهوا و فقه معتقدند که قبول صومعه (کسی که مال و صحت زده به او تعلقی می شود)

شرط است و با قبول صومعه و صحت صحیح است

قبل و صحت ايقاع است نظر مصنف
و صحت عهدي = ايقاع است
و صحت تکلیفی = عقد است

مسئله‌ها (در بیان اقسام وصیت)

۱- اکثر عقول معتقدند که وصیت عمری به قبول نیاز ندارد. ۱- تسالم علیا ۲- روایت صحیح

روایاتی که دلالت دارد بر وجوب عمل به وصیت در صورتیکه ردی صورت نگیرد باشد و حتی در صورتیکه رد صورت نگیرد ولی به موافق خبر رد آن نرسیده باشد. (در این مورد عمل به وصیت واجب است)

حق آنست که وصیت را به طور مطلق صحیح بدانیم باز هم وصیت با رد و حق باطل می‌شود و غیر قبول یا غیر در وصیت وصیت ندارد **بجای آنکه به اطلاق آیه در حق نماند که در مال معسر** این آیه به مطلق وصیت دلالت دارد.

۳- **جواز رد با شرط** - به استناد حدیث مشهورین هارم **جواز رد مع خرج** - بنا بر قاعده نفی خرج به استناد آیه (و لا یجوز فی مال من خرج)

۳- **شرط جواز رد** وجوب آنست که وصیت باطل نمی‌شود **دلیل:** زیرا خاصیت چیزی که با رد و حق حاصل می‌آید این است که وصیت برخاسته از حق می‌باشد و با فقدان و حق به وصیت باطل نمی‌شود.

۴- **قبول وصیت ولی بر فرزندان واجب است** - بنا بر روایت ائمه در مورد جاهل (سامع تراض) (یعنی از رویان حدیث توثیق شده ولی با سامع سند روایت را تأیید می‌کنند)

۵- **مستور وصیت** تکلیف اعتدالی دارند. **باید** استصحاب عدم نقل به موهوم به بدین قبول قبول بر این وصیت تکلیف شرط است

الف - ایجاد ملکیت و اضافه نکردن چیزی به اموال دیگران (باعتبار تصرف) با قاعده مصلحت مخالفت و منافات دارد. **قاعده سلطنت** انسان بر نفس و اموال خود تسلط دارد و با سیر محقق ثابت شده است اگر در ارتکاب بدو حق اجازه و قبول اموال به دارایی مورث اضافه نمی‌شود. دلیل خاص داریم و قابل تعمیم به موارد دیگر نیست (به موارد دیگر سرایت نمی‌کند)

ب) زیرا که موصی له وصیت را قبول نکرده طبق استصحاب ثابت می شود که انتقال مورد شرط

غیر اکتفا به قبل از وجود وصیت بعین دار که انتقال مال صورت گرفته . بعد از وصیت و بدین قبول موصی له
شکر می کند به انتقال مال وصیت کرده در نتیجه استصحاب می شود که بعین عمل کن (یعنی عدم انتقال مال حکم نه)
از نظر مصنف هر دو دلیل مورد استناد برای آیه اطلاق دارد

البته بر شرطیت قبول موصی له اجماع بر اینست که وصیت ارجاع جماع کرده که احوال مدرکی است
در اجماع مدرکی نیست ندارد

دلیل تقویت عدم قبول در وصیت روایت احمد بن محمد بن قیس است که
راجع به تفاوت امیرالمؤمنین در مورد وصیت شخص برای شخص غایب و ترک موصی له
قرار است . امام عین الاسلام ضروری این مورد وصیت کرده باید به وارتان موصی له برسد

اگر وصیت کننده قبل از فوت موصی له از وصیت خود پشیمان شود این وصیت مستثنی می شود
و آنچه اثر موصی له قبل از فوت موصی له است و این وصیت به وارتان موصی له مستقل می شود

مقتضی اطلاق روایت این است که اصل باید به وارتان برسد حتی اگر موصی له اطلاع نداشته و قبول نکرده باشد
هیچ وجهی برای تحویل دارنده نداریم مگر اینکه بخاطر تحقق ملک مورد شرط بدین . و ملک باید از موصی له به
واریت آن لو انتقال پیدا کند (پس قبول شرط وصیت است)
نکته : اگر موصی له رد کرده باشد علی رغم اطلاق آیه ملکیت محقق نمی شود هر چند آیه اطلاق را بپذیرد

نوعی دلیل باقی مانده بر این اعتبار قبول در وصیت ملکیت اجماع است که ادعا می شود

سید مرتضی : قبول را شرط نیست و وصیت نمی داند و در امانع تحقق ملکیت می داند
ادعای آنکه ملک قهری به جز در ارث باطل است و اگر قبول محقق نشود ملکیت قهری لازم می آید

این ادعا مردود است . زیرا عقلاً هیچ مانعی وجود ندارد و عموم وصیت (آیه وسیع عقلا) آن را
ثابت می کند و نیز در مورد وقف هم ملکیت قهری وجود دارد (هم علی ملکیت وقف بدین اجماع می دانند)

خلاصه مسئله ۱۵

- ۱- قاعده سلطنت با ملک قهری و مباحات دارد
- ۲- درون قبول موهن نه با استیفاء عدم انتقال ملک
- ۳- اجماع بر شرط قبول

نقد اول شرط شرط معتقد

- ۱- آیه دلالت بر مطلق وصیت دارد → بنا بر طلاق به قبول موهن نه بنا بر نص
- روایت بر عدم دایم. بنا بر این اجتهاد در این مسأله قواعد فقهی نمی روم.
- ۲- اجماع ۱- ارجاع شده صدری است و نصت ندارد
- ۲- اجماع معتبر بازر به دلیل روایت قصاصات ایراد موهن در مورد
- انتقال مورد وصیت شده و اموال موهن لم باعث مقید شدن اجماع می شود
- ۳- روایت مقتضی بر عدم شرط قبول در وصیت است
- اگر وصیت کننده، وصیت خود را تغییر ندهد اموال به ورثه منتقل می شود باطل بر مطلق قبول

چه باطل
قبول
در مورد قبول
و غیره

نقد سید زری ۱

- ۱- عقلاً هیچ مانع ندارد
- ۲- معتقدات الحیوة با مشروعیت وصیت قبول را شرط نمی داند
- ۳- ملکیت قهری در وقف هم پذیرفته است

نتیجه: وصیت ایقاع است

نقد دلیل بر عدم ملکیت ۲ رد وصیت است. اگر وصیت رد شود مانع تحقق ملکیت نمی شود

گاهی می گویند رد مانع ملکیت است و تنها دلیل آن اجماع است علم بر غم اینکه اطلاق آن
آن را نفی می کند

اصول واهی

تقدیر واهی ← ۱- واهی یا موصی الیه - اگر موصی شخص را یقین کند بر اجماع واهی

۲- بر عهده حاکم - اگر موصی شخص را یقین نکند

خود تنفیذ حاکم یا خورش متولی شود

شخص را مجبور می کند

2

4

6

8

10

12

14

16

18

20

22

در ضمن واهی

۱- واهی تمکلی: بذل مال به موصی له اگر هم بدل نکند به محض فوت واهی
حال به موصی له مستقل می شود (واهی غایب ای نیست)

۲- واهی محدود: متولی تصرف در موصی به (بدون اذن واهی تصرفاً جائز نیست)

۱- خیانت واهی: اگر اموال ضمیمه کردن شخص دیگری باشد - ضمیمه نام غیر حاکم
۲- اگر اموال ضمیمه کردن شخص دیگری نباشد - عزل واهی نام حاکم

۲- موت واهی (قبل یا اثناء انجام واهی)

ضد واهی از طرف حاکم

۳- عجز واهی

خیانت در واهی

قدیم افعال

۱- (بدون یا جد بدوری) = واهی

۲- (بعد از فوت بدور بدوری) = واهی

۳- (اگر واهی یقین نگذرد باشد) = حاکم شرع

* دلالت: وارث و ولایت ندارد

* با وجود بدور بدوری انتخاب

قیمت دیگری باطل است

به ترتیب مراتب

وظیفه قدیم

۱- قریب افعال

۲- حفظ اموال افعال

۳- اتفاق بر افعال

۴- پرداخت دیون طفل به طلبکار

۵- دریافت طلب طفل از بهر هتار

و مانند آن

اگر محدود نباشد

وہی بدون نظر نامہ، حق انجام صرف در وصیہ امتداد

خواجہ نصیر احمد

۲۔ اطلاع ← انجام و صورت با اشرف و اطلاع مافرا

عَالِيًا رَضْنَا قُرْبَهُ مِنْ هَذَا

مبنی بر تذکره ده -
 حین اطلاع شد از این کارها تا امر مطابق مقررات
 است کار می باشد.

ناصر السقاس : دكتور باقر بن قريش عالم است - هو من ناصر بن عبد الله بن عبد الجبار (الطوسي) (هو باقر بن ناصر)

ناظر اطلاع : فلان و همی وقت نظر دار و لی لازم نیست و همی مطابق نظر ناظر کار انجام دهد.

و اگر هم منع کرد: ایضا کاری از دستش بر نمی آید (مبارک و می است)

الف باب مورد معن مکرر

محرمه ولادت ولی

در اسرار و ارباب عالم شریع و جمیع امور

۱- چنانچه اجرت از قیمت مطلقاً بیشتر باشد، به قیمت فنی، با ضرباً بقدر
۲- عدم چنانچه اجرت در صورت فقر قیمت

۱- قسم قسم

رشد امرت

حکم ضرر و زیان

۱- قیّم فقیر با ۲- مال شریف حکم یکسان است

۲. قیم غیر ستم (و صی بر احوال) در هر یک از این دو صیغی بود (ط و صی شایسته)

مسئله افکار و مسائل

۱- تنفیذ وصیت به شخص معین ← **دلیل:** مقتضای ادله ای که مشروطیت وصیت به اشخاص است

۱- مقتضای ادله افکار

۲- آیات

۳- روایت منصور بن نازم

۲- تنفیذ وصیت به حاکم در صورت عدم تعیین شخص معین ← **دلیل:**

حیث وصیت از لحاظ شرع صحیح است بنا بر اطلاق ادله حکمت و وصیت باید بعضی از مردم را

انجام دهند هرگاه مثلاً بن عادل مؤمن و حاکم شرع مرد در شد **قد مستحق حاکم شرع است**

و نسبت به سایرین با استصحاب عدم ترتیب اثر دفع می شود

مسند به روایت اسحاق بن یعقوب ← **روایات حدیث** ← **دلیل بر تأیید رجوع حاکم شرع دارد**

۳- تنفیذ حاکم به خودش یا شخص دیگر مختار است (افکار دارد) **دلیل:** مقتضای روایت اعم از تعیین خود یا دیگران

دلیل: (روایت فوق الذکر) (روایات حدیث) عام است و شامل حاکم یا فرزند حاکم تعیین کننده می شود

۴- نقض وصال در وصیت تملیک **هرگز نه!** فقط محول دادن است

زیرا ملکیت موصی له به محض فوت وصال محقق می شود و بنا بر این تملیک از طرف وصال ندارد

نقض وصال در وصیت صحیح است **تملیک و تصرف را حتی باید خود وصال انجام دهد** زیرا وصیت به صورت شرط متصل

بر وصال واجب شده است

الفهم: وصیت تملیک: فقط در اختیار گذاشتن مال موصی له به محض فوت وصال

ملکیت با فوت موصی به برابر موصی له حاصل می شود

اثر و نتیجه تملیک: ملکیت یا انتفاع غیر

وصال هیچ کاره است به محض فوت موصی، مال موصی له مستقل می شود و وصال فقط محولی است

و صلح و وصال

شرط نتیجه: در ضمن عقد آثار حقوقی

۱- آن عقد به نفع دیگری تقدیر شود
۲- تقدیر شده باید مالک باشد یا شود

ب: در وصیت عهدیه: وصال متولی تصرف در موصی به به شرط فعل است

کار خود عهد را انجام نمی دهد باید وصال برود و اموال را مستقل کند **بدون وصال جائز نیست**

شرط فعل: در ضمن عقد انجام دادن کار یا ترک عمل بر یک از طرفین یا شخص ثالث شرط می شود

مسند: در ضمن عقد شرط کند که **مال** **کار** **های** **تدوین** **موصی را** **انجام** **دهد** **اسرار** **قرارداد** **از** **صفحه** **موصی را** **بر** **عهد** **نمیرد** **و** **مال** **بیر** **نقد** **کات** **غیر** **تملیک**

۵- در صورت خیانت وصی باید نافر نصب شود از طرف حاکم شرعی ^{صیبه} دلیل

تقصیر در جبر تنفیذ وصیت همین است و وصی خائن شایسته اخام وصیت را ندارد

۱- اگر وصیت صقیله به عدم خیانت وصی باشد → وصی عزل می شود و حاکم جانشین تعیین می کند

۲- اگر وصیت صقیله به عدم خیانت نباشد → در صورت خیانت وصی حاکم مراقبی را تعیین می کند

۳- اگر نافر مانع از اداء وصیت و نافر شود → حاکم وصی را عزل می کند و جانشین تعیین می کند

۶- اگر وصی قبل از احوال وصیت بپذیرد → بنا بر اطلاقات جهت نفع وصیت حاکم جانشین تعیین می کند

تاریخ انقباض وصی بعد از فوت حاکم

- ۱- هرگز وصی
- ۲- خیانت وصی و عدم منع یا نافر همراه
- ۳- وصی بجهت نفع یا نافر

۷- انقباض قیام

دلیل → موثقه مسلم بن عبداله
صحیح اقتضا من رآن نیست

برابر پدر و جد پدری جایز است بقدر نفوذش یک قیام برابر فرزندان که صغیر هستند نصب کنند

تشریح پدر و جد پدری در جرح جد پدری در واقع آب است

چهار مورد توان روایت مفسر بر این قیام اثبات کرد

روایت شامی تعلیل است که با عدم تعلیل در ذیل روایت می توان روایت را بر مود قیام نیز سرت داد

(از انکشافی بین مفسر و قیام که توسط پدر انجام می شود تفاسیری است) قول عدم فصل

۱- تعلیل آنها را روایت فرموده است

۲- قول عدم فصل

اصول ولایت پدر و جد پدری است

۸- عدم ثبوت ولایت به غیر پدر و جد پدری → دلیل و ولایت اطلاق ندارد

دلیل ولایت محقق بر جد پدری است و اگر غیر آنها ثبوت ولایت و دلیل ولایت

آنها مطلق نیست و بجا طر اصل (اصل: کسی بر دیگری ولایت ندارد)

تفاوت نظر مخالف ابن حبه است صابر راجعه بعد از پدر و ولایت دارد

دلیل عدم ثبوت ولایت → اصل عدم ولایت
دلیل به خلاف ولایت پدر و جد پدری نداریم

۹- و ضمیمه قیم، بخاطر انفراد فعل ولایت (ولایت را قیم همین افعال انفرادی دارد)

۱۰- نصب ناظر به مفسر استعلاسی ← اطلاع ← استعلاسی
در روایات آمده است فقط از اطلاق اولی ای که
اصل وصیت را مضاعف کرده ثابت می شود مثل حکم

۱۱- لزوم امتضای هر محل اذن یا ولایت محدود است: دلیل: اقتضای وجوب عمل به ولایت این است که از
حد وصیت تجاوز نکند.

مرجع سایر اسودات ← حاکم شرعی است دلیل: در مواردی که وجهی معین نشده باشد مرجع حاکم است
که در وصیت ذکر شده
این موارد به وصیت برگردانده می شود.

۱۲- دریافت اجرت المثل برای قیم ← دلیل: آیه من كان غنيا فليستعفف ومن كان فقيرا فليأكل مما كرم الله له
در بیان قیم استحقاق اجرت المثل در وجه معذوق عمل معروف است.
قلم افتاد علامت اجرت المثل است. مقدار نیاز
کمترین مقدار

شرط فقر در آیه ظاهر است بر وجوب دار و روی بر استیجاب دالالت دار و روی احتیاط در شرط
بزرگ فقر یک عمل شایسته آن است. فالفقر = (آن فقری که در اجرت المثل بزرگ فقری نیست چنانچه گفته اند این فقری است)

۱۳- احتیاط در اجرت المثل با شرط هجرت دارد
۱- مال بستم کم نباشد دلیل: روایت کنانی
۲- خود وصی یا قیم فقیر باشد

۱- در سلسله روایات محمد بن فضال است رصف لندی دارد

۲- اعراض مشهور از فقو یا دادن به مقبول روایت ضعیف

۳- نتیجه اینکه از فقو است بر هر دایم و به احتیاط روایت

۱۴- وجه غیر قیم هجرت از اجرت است دلیل: اقتضای امر به عمل غیر مجانی
دالالت دارد که اجرت بزرگ با سطح عقل است

احتیاطی که
۱- فقیر باشد
۲- مال بستم کم نباشد
۳- خود وصی یا قیم فقیر باشد
۴- قریب از اجرت است ۷- قریب از اجرت است عمل دالالت نکند
نقص اجرت المثل
در وجه

احكام وصيت

با الفاظ یدیه اعتبار فقط قاصر
با اشاره
با کتابت

اعتبار وصیت به هر شکل که در حالت بر ایجاب کند

مستند: اطلاق کلمه در حالت بر امضای عنوان وصیت در بر هر شکل که عنوان صدق کند

واجبات موصوع
مورد نیاز برای انجام وصیت
واجبات موصوفه
زمان معتبر در وصیت

واجبات موصوفه و اعمالی که دارای شخص و مورد هستند

برابر با زمان انجام دادن وصایای مثل روز و مکان

۱- تکالیف (فایده روزنه)

الف) اگر امکان دارد در خورشید انجام دهد

۱- اعمالی که دارد و درم انجام می دهد
وصیت واجب نیست

ب) اگر امکان ندارد ایجاب کند

۲- عدم اعمالی به ادا

وصیت واجب است

با ظهور نشانه های
واجبات در دهن

۲- حقوق مالی

اصول رساندن به آنها آن است
۳- قوت شخص واجب است
برسانند

نخاطر مؤهل بزرگ امکان رساندن نیست

۱- اعمالی که به رساندن توسط ورثه
عدم وجوب وصیت

۲- عدم اعمالی به رساندن
وجوب وصیت

محدوده صحت وصیت

۱- قول مسهورة در ملک مال در سائر ابر ملک

الف - در صورت اجازة وراثت
بعد از وفات = صحت وصیت و
عدم جواز رد اجازة

ب) در صورت اجازة وراثت در حال حیات

۲- قول با یوم (تکلیف اموال)

(در مورد رد اجازة اختلاف نظر است بعد وفات)

زمان اعتبار ملک اموال ۲- حین وفات ۱- حین وصیت ۳- فاعل حین وصیت وفوت

۱- مالی (همین مولات) ← از اصل برگه برداشته می شود
۲- بدین و مالی: حج

عشق و احب

در زمه

۳- بدین محض (بخار - اوزه) ← از ملک مال کسر می شود (مشهور)

← از اصل مال برداشته می شود (مقل)

۱- الف) نفس نکره که از ملک کسر شود

و وصیت به امور مستقر

اول: واجبات مالی ← از اصل مال کسر می شود (سابق را تقسیم بر ۳ می کنیم)

دوم: واجبات غیر مالی ← به مقدار ملک ← عمل به وصیت در تمام موارد

سیر از ملک ← ورثه اجازه بدهند به عمل به وصیت
↓
ورثه اجازه ندهند

نظایر وصیت نسبت به سیر از ملک

۲- وصیت نکره که از ملک کسر شود (از ابتدا و مال را به ۳ تقسیم می کنیم)

۱- واجبات مالی ← از ملک کسر و آنرا سیر بود از اصل مال تقسیم بر ۳ می داریم

۲- واجبات غیر مالی ← از ملک باقی مانده کسر می شود

کاتر سیر از ملک بود ← با اجازه ورثه ← به وصیت عمل می شود

↓
ورثه اجازه ندهند ← نسبت به مالزاد

بر ملک وصیت باطل می شود

مسئله های احکام وصیت

(۱) اطلاق بیه دولت دارد بر آنکه به هر طریقی که معقول و صحت صدق پیدا کند می تواند وصیت کرد

(۲) اتفق واجبات موید است طبق نظر مشهور فقهی به وقت و مکان اجازه پذیر استال هر چه شود

اما سبب دیگر آن است که اصحاب و علمای مکان انجام و استال در وقت هم است
آنها اصحاب دارند که می توانند بعد از انجام دهد اجازه تا فیر در و این به ظاهر بدون علامت ترک کرده نمی شود
بین ملک و اصحاب و علمای مکان استال است

(۳) وجوب وصیت وقتی خودش می تواند استال کند واقع است - انشا پیر زمانش از انجام دهد
خاص نمی شود مگر در وصیت این است که در فرزند از استال خارج می شود (واجب نیست)

مشهور: رد امانت به اهلیش واجب است

(۴) وجوب رد اموال مثل در بیع و استیذان قول مصنف: رد امانت به شرط اطمینان به عدم پرداخت و رد امانت
در بیع: آنچه در رد امانت لازم است فقط امانت است و

این امر با اطمینان به بازگرداندن امانت توسط ورثه تحقق می شود پس واجب نیست

رد در بیع با غرض عدم مطالبه: واجب نیست

زمانی در رد امانت را بر می گردانند که وصیت نوشته باشد و بر آن شاهد هم گرفته باشد

انجام این وصیت واجب می شود از باب مقدم واجب واجب است حتی اگر این وصیت بعد از آن باشد

(۵) وجوب رد اموال درین موارد
حالت = زمان پرداخت ندارد - در زمان ظهور علامت مرگ
مؤجل = زمان باز پرداخت دارد - در صورت عدم مطالبه
در وقت فوراً لازم نیست

تقریر مصنف: ملاک پرداخت بهی مطالبه توسط طلبکار است

صحیح نیست که ظهور علامت مرگ را ملاک پرداخت درین مورد دریم

۱- بدین حال باشد با مطالبه پرداختش واجب است

۲- اگر مطالبه مالک باشد - اگر درین لزوم واجب نیست حتی با ظهور علامت مرگ
(مؤجل باشد)

۱- بین احوال معروف است

۲- روایت مستقوله متن موافق سابطی

محدوده وصیت: ۱- قول مستقوله لک احوال
۲- قول باقیم در یک احوال
۳- روایت
۴- روایت
۵- روایت
۶- روایت
۷- روایت
۸- روایت
۹- روایت
۱۰- روایت
۱۱- روایت
۱۲- روایت
۱۳- روایت
۱۴- روایت
۱۵- روایت
۱۶- روایت
۱۷- روایت
۱۸- روایت
۱۹- روایت
۲۰- روایت
۲۱- روایت
۲۲- روایت
۲۳- روایت
۲۴- روایت
۲۵- روایت
۲۶- روایت
۲۷- روایت
۲۸- روایت
۲۹- روایت
۳۰- روایت
۳۱- روایت
۳۲- روایت
۳۳- روایت
۳۴- روایت
۳۵- روایت
۳۶- روایت
۳۷- روایت
۳۸- روایت
۳۹- روایت
۴۰- روایت
۴۱- روایت
۴۲- روایت
۴۳- روایت
۴۴- روایت
۴۵- روایت
۴۶- روایت
۴۷- روایت
۴۸- روایت
۴۹- روایت
۵۰- روایت
۵۱- روایت
۵۲- روایت
۵۳- روایت
۵۴- روایت
۵۵- روایت
۵۶- روایت
۵۷- روایت
۵۸- روایت
۵۹- روایت
۶۰- روایت
۶۱- روایت
۶۲- روایت
۶۳- روایت
۶۴- روایت
۶۵- روایت
۶۶- روایت
۶۷- روایت
۶۸- روایت
۶۹- روایت
۷۰- روایت
۷۱- روایت
۷۲- روایت
۷۳- روایت
۷۴- روایت
۷۵- روایت
۷۶- روایت
۷۷- روایت
۷۸- روایت
۷۹- روایت
۸۰- روایت
۸۱- روایت
۸۲- روایت
۸۳- روایت
۸۴- روایت
۸۵- روایت
۸۶- روایت
۸۷- روایت
۸۸- روایت
۸۹- روایت
۹۰- روایت
۹۱- روایت
۹۲- روایت
۹۳- روایت
۹۴- روایت
۹۵- روایت
۹۶- روایت
۹۷- روایت
۹۸- روایت
۹۹- روایت
۱۰۰- روایت

۱- صفت مستقوله ۲- روایت اول
۲- روایت مستقوله ۳- روایت اول
۳- روایت مستقوله ۴- روایت اول
۴- روایت مستقوله ۵- روایت اول
۵- روایت مستقوله ۶- روایت اول
۶- روایت مستقوله ۷- روایت اول
۷- روایت مستقوله ۸- روایت اول
۸- روایت مستقوله ۹- روایت اول
۹- روایت مستقوله ۱۰- روایت اول
۱۰- روایت مستقوله ۱۱- روایت اول
۱۱- روایت مستقوله ۱۲- روایت اول
۱۲- روایت مستقوله ۱۳- روایت اول
۱۳- روایت مستقوله ۱۴- روایت اول
۱۴- روایت مستقوله ۱۵- روایت اول
۱۵- روایت مستقوله ۱۶- روایت اول
۱۶- روایت مستقوله ۱۷- روایت اول
۱۷- روایت مستقوله ۱۸- روایت اول
۱۸- روایت مستقوله ۱۹- روایت اول
۱۹- روایت مستقوله ۲۰- روایت اول
۲۰- روایت مستقوله ۲۱- روایت اول
۲۱- روایت مستقوله ۲۲- روایت اول
۲۲- روایت مستقوله ۲۳- روایت اول
۲۳- روایت مستقوله ۲۴- روایت اول
۲۴- روایت مستقوله ۲۵- روایت اول
۲۵- روایت مستقوله ۲۶- روایت اول
۲۶- روایت مستقوله ۲۷- روایت اول
۲۷- روایت مستقوله ۲۸- روایت اول
۲۸- روایت مستقوله ۲۹- روایت اول
۲۹- روایت مستقوله ۳۰- روایت اول
۳۰- روایت مستقوله ۳۱- روایت اول
۳۱- روایت مستقوله ۳۲- روایت اول
۳۲- روایت مستقوله ۳۳- روایت اول
۳۳- روایت مستقوله ۳۴- روایت اول
۳۴- روایت مستقوله ۳۵- روایت اول
۳۵- روایت مستقوله ۳۶- روایت اول
۳۶- روایت مستقوله ۳۷- روایت اول
۳۷- روایت مستقوله ۳۸- روایت اول
۳۸- روایت مستقوله ۳۹- روایت اول
۳۹- روایت مستقوله ۴۰- روایت اول
۴۰- روایت مستقوله ۴۱- روایت اول
۴۱- روایت مستقوله ۴۲- روایت اول
۴۲- روایت مستقوله ۴۳- روایت اول
۴۳- روایت مستقوله ۴۴- روایت اول
۴۴- روایت مستقوله ۴۵- روایت اول
۴۵- روایت مستقوله ۴۶- روایت اول
۴۶- روایت مستقوله ۴۷- روایت اول
۴۷- روایت مستقوله ۴۸- روایت اول
۴۸- روایت مستقوله ۴۹- روایت اول
۴۹- روایت مستقوله ۵۰- روایت اول
۵۰- روایت مستقوله ۵۱- روایت اول
۵۱- روایت مستقوله ۵۲- روایت اول
۵۲- روایت مستقوله ۵۳- روایت اول
۵۳- روایت مستقوله ۵۴- روایت اول
۵۴- روایت مستقوله ۵۵- روایت اول
۵۵- روایت مستقوله ۵۶- روایت اول
۵۶- روایت مستقوله ۵۷- روایت اول
۵۷- روایت مستقوله ۵۸- روایت اول
۵۸- روایت مستقوله ۵۹- روایت اول
۵۹- روایت مستقوله ۶۰- روایت اول
۶۰- روایت مستقوله ۶۱- روایت اول
۶۱- روایت مستقوله ۶۲- روایت اول
۶۲- روایت مستقوله ۶۳- روایت اول
۶۳- روایت مستقوله ۶۴- روایت اول
۶۴- روایت مستقوله ۶۵- روایت اول
۶۵- روایت مستقوله ۶۶- روایت اول
۶۶- روایت مستقوله ۶۷- روایت اول
۶۷- روایت مستقوله ۶۸- روایت اول
۶۸- روایت مستقوله ۶۹- روایت اول
۶۹- روایت مستقوله ۷۰- روایت اول
۷۰- روایت مستقوله ۷۱- روایت اول
۷۱- روایت مستقوله ۷۲- روایت اول
۷۲- روایت مستقوله ۷۳- روایت اول
۷۳- روایت مستقوله ۷۴- روایت اول
۷۴- روایت مستقوله ۷۵- روایت اول
۷۵- روایت مستقوله ۷۶- روایت اول
۷۶- روایت مستقوله ۷۷- روایت اول
۷۷- روایت مستقوله ۷۸- روایت اول
۷۸- روایت مستقوله ۷۹- روایت اول
۷۹- روایت مستقوله ۸۰- روایت اول
۸۰- روایت مستقوله ۸۱- روایت اول
۸۱- روایت مستقوله ۸۲- روایت اول
۸۲- روایت مستقوله ۸۳- روایت اول
۸۳- روایت مستقوله ۸۴- روایت اول
۸۴- روایت مستقوله ۸۵- روایت اول
۸۵- روایت مستقوله ۸۶- روایت اول
۸۶- روایت مستقوله ۸۷- روایت اول
۸۷- روایت مستقوله ۸۸- روایت اول
۸۸- روایت مستقوله ۸۹- روایت اول
۸۹- روایت مستقوله ۹۰- روایت اول
۹۰- روایت مستقوله ۹۱- روایت اول
۹۱- روایت مستقوله ۹۲- روایت اول
۹۲- روایت مستقوله ۹۳- روایت اول
۹۳- روایت مستقوله ۹۴- روایت اول
۹۴- روایت مستقوله ۹۵- روایت اول
۹۵- روایت مستقوله ۹۶- روایت اول
۹۶- روایت مستقوله ۹۷- روایت اول
۹۷- روایت مستقوله ۹۸- روایت اول
۹۸- روایت مستقوله ۹۹- روایت اول
۹۹- روایت مستقوله ۱۰۰- روایت اول

۱۰- لغو وصیت با اجازه ورنه زیرا حق اجازه داریم فقط حاصل آنجا است که می توانیم

۸- اتفاق با اجازه ورنه در زمان وصیت ورنه در زمان وصیت ورنه در زمان وصیت

۱۱- اگرچه اعتقاد بر این است که در زمان وصیت ورنه در زمان وصیت ورنه در زمان وصیت

۱۲- تا امکان استعاضا اجازه را داشته باشد ولی در این خاص بر لغو اجازه در آن داریم

۱۳- حرف بیخ حقیقت می باشد و بعد از آنکه در آن روایت بر لغو اجازه در آن داریم

۱۴- بطلان وصیت و عدم ترجیح (مردن از بطلان) به این دلیل می باشد که در آن داریم

۱۵- ترجیح از اجازه بعد از آنکه ناقد نیست و بعد از آنکه ناقد نیست و بعد از آنکه ناقد نیست

۱۶- مستقل بوده است اگرچه باطل اعلام کنیم می باشد ولی در آن داریم

۱۷- ۱۰- اجازه ورنه موافق ناقد است و چون حق آنرا سابطی و فقط در حق مجیز ماقده است

۱۸- حق یک امر است که بعد از انحلال حق و تقسیم حقوق به خود اجازه دهیم بر می نرود

۱۹- ۱۱- مقدار ملک مال و حین وفات است

۲۰- تا بر حدیث سابطی مرقا مقدار ملک مال به حین وفات انصراف دارد

۲۱- روایت القوم (مستند روایت) بعد از آنکه فقط در مال حق تصرف دارد

زمان اعتبار مال - حین وفات

دلیل ۱ - وصیت بعد از وفات فقط بر اموال است

۲ - عرفاً انصراف به اموال موقوف قوت دارد

۳ - قتل موصل اثر روی قضا - **دیه به موصی**

دیه جزه دارایی موصی میسرور با اینکه هشتم وصیت وجود ندارد

بنابر جمیع مبدء بن سنی و اضافت شدن به هشتم قتل قضایی به اموال یا غیر این است که به اموال و یا غیر
 حین وفات حساب نکرد در حالی که این دین خود وجود ندارد

از سخن امام که فرمود وصیت را از مالی و ریاضت میرا زید یعنی باید حین وفات اعمی

۱۳ - **حقوق واجب در زمه** (الف) مالی / دین مالی ← **میرا سق از اصل و کسبه** و غیره
 نکات خاص جمع

دلیل ۱ - آیه ۱۱ بشارت: تقسیم است بعد از عمل به وصیت و برافتن آن
 در اصل بعد وصیت **نوصی بعد از وفات**
 و بعد از وفات دین به باقی بده اموال را از آن
 هر کس در وقت حال را حساب تمام کند

ب - غیر مالی ← **قول مستفاد از مرگ**

که این باب به (از اموال) (از اصل)

دلیل ۱ - **۱ - صغری: واجبات غیر مالی دین است**

۲ - **کبری: وجوب اخراج دین از اصل مال**

صغری: وجوب اخراج واجبات غیر مالی از اصل مال

دیه در صغری ضابطه

۱ - **استقلال لفظ دین** بر نماز از باب مسامحه است
 و بر این بیان است نماز است اصل دین باید سریع زنده افتاد

۲ - **مخصوص نماز گفته و بر واجبات غیر مالی بیشتر تقسیم نمی دهیم**

در کبری مسأله:

اثر حال

۱- انصراف لفظ دین در آیه به واجبات مالی

۲- ضعف روایت > سند > از سنده نقل شده

دلالتی به عدم دلالت بر خروج از اصل مال

مالی = از اصل حال به مطلق (چه وصیت کرده یا نکرده باشد)

واجبات

غیر مالی = از ملک مال به مطلق (چه وصیت کرده یا نکرده باشد)

عطف دین به وصیت دلالت بر لزوم اخراج واجبات مالی از زیر کبر را دارد و وصیت به آن

نکرده باشد + روایت ایراد مؤمنین اول دین + بعد وصیت + بعد تقسیم بین ورثه

لفظ دین، در آیه کریمه به اخراج از اصل مال انصراف دارد → استدلالت کبری قفیه

۱۴- اگر وصیت صدق شود → ابتدا واجبات مالی از اصل مال کسر می شود

که بعد وصیت اجرام شود

۱۵- اگر ملک مال زیاد باشد → واجبات مالی و غیر مالی از ملک مال کسر می شود

و وصیت کننده این را خواسته

دین: اعتدال و قنیت این است که وصیت از ملک مال کسر شود

اگر مال موصی زیاد باشد → اول واجبات مالی کسر می شود → زیرا لازم است از اصل مال کسر شود

اگر باره خروج دین از اصل را نکرده باشد → باید از ملک مال کسر شود (و طبق وصیت)

اگر دین را به هر چیزی از اصل مال نماند → وصیت بطل می شود

از آن لازم تقسیم اخراج از ملک این است که ملک مانده حال که باقی نیست و وصیت باطل می شود

از نیک بر رانته هر روز وین : عمل به وصیت

مستند ۱۵ :

وامات مالی

از نیک بر رانته هر روز ^{بفایده} از اصل ترکه بر رانته هر روز

در صورت وصیت به

خروج وامات از نیک

وامات غیر مالی $\leftarrow$ نیک لغایت می کند $\leftarrow$ عمل به وصیت

کمال لغایت نمی کند $\leftarrow$ طفلان وصیت نیست به

سازاد مکرر در شب اچا غره دهند